

پیشینه کاربرد

اتباع در زبان و ادب فارسی

منصوره کریمی قهی
دانش آموخته دکتری تاریخ دانشگاه الزهرا (س)

مقدمه

مرکب‌های اتباعی بر اثر تکرار قسمتی از پایه ساخته می‌شوند. در این ترکیب‌ها بخش مکرر به خودی خود هویتی مستقل ندارد، هیچ‌گاه به تنهایی به کار نمی‌رود و همیشه به پایه‌ای نیازمند است. در کتاب‌های دستور، این نوع ساخت‌ها را اتباعی نامیده‌اند و بخش مکرر را به سبب آنکه معنایی ندارد، لفظ مهمل خوانده‌اند. بر خلاف واژگان مترادف که در معنی به هم نیازی ندارند و مغایر یکدیگرند، در تابع لفظ دوم معمولاً فاقد معنی روشن است و هر گاه بی‌متبوع استعمال شود، مفید چیزی نخواهد بود. این واژگان در زبان گفتاری مردم متداول است. همچنین، در برخی متون نظم و نثر، به‌ویژه داستان‌ها، که به زبان عامیانه نوشته شده‌اند به کار رفته است. در این مقاله، پیشینه کاربرد مرکب‌های اتباعی (اتباع مهمل) در زبان و ادب فارسی بررسی می‌شود.

واژگان مرکب اتباعی در آثار منثور فارسی

به گفته پژوهشگران، انواع ترکیب‌ها در زبان سانسکریت و آثار برجای مانده به این زبان، از جمله کتاب اوستا، دیده می‌شود. «از آنجا که در زبان سانسکریت و کتاب اوستا

چکیده

مرکب‌های اتباعی ترکیب‌هایی هستند که بر اثر تکرار قسمتی از پایه ساخته می‌شوند. در این ترکیب‌ها، بخش مکرر معنی ندارد و هیچ‌گاه به تنهایی به کار نمی‌رود. این واژگان در زبان گفتاری مردم متداول است و در دوران اخیر، در برخی متون نظم و نثر، به‌ویژه داستان‌هایی که به زبان عامیانه نوشته شده‌اند، به کار رفته است. در این پژوهش با رویکرد تاریخی و روش توصیفی، پیشینه کاربرد مرکب‌های اتباعی (اتباع مهمل) در متون نثر و نظم فارسی را واکاوی کرده‌ایم.

طبق یافته‌های این پژوهش، پیشینه کاربرد مرکب‌های اتباعی در زبان فارسی به قرن اول هجری قمری و در متون نظم و نثر فارسی به قرن چهارم هجری می‌رسد. البته این ترکیب‌ها تا قرن سیزدهم هجری، تنوع و فراوانی چندانی نداشتند و به ندرت در متون فارسی دیده می‌شوند. در قرن سیزدهم، کاربرد این ترکیب‌ها در زبان و ادب فارسی، به‌ویژه آثار داستانی، با مایه‌های طنز و هزل فزونی یافت و ترکیب‌های جدیدی به دایره واژگان فارسی افزوده شد.

کلیدواژه‌ها: مرکب‌های اتباعی، زبان و ادب فارسی، متون نظم و نثر فارسی

ترکیبات مزدوج بدون هیچ حرف ربطی بین آن‌ها و جداگانه نوشته می‌شوند، صورت آن‌ها مرکب نیست و در نتیجه، تشخیص واژگان مرکب از غیرمرکب دشوار است» (ذاکری، ۱۳۸۱: ۱۳۸ - ۱۳۷). در زبان پهلوی نیز انواع اسم‌های مرکب، برای مثال «روز شبان»، دیده می‌شود اما این ترکیب‌ها مرکب اتباعی نیستند. در ارداویرافنامه واژه «رودگ بودگ» ذکر شده است که ممکن است اتباع باشد اما وجود این واژه به معنی کاربرد اتباع در زبان پهلوی نیست؛ زیرا کتاب ارداویرافنامه در قرن سوم نوشته شده و ممکن است تحت‌تأثیر فارسی دری این واژه به کتاب راه یافته باشد (همان: ۱۳۹). بعد از فتح ایران به دست مسلمانان، بیشتر آثار علمی، ادبی و تاریخی به زبان عربی نوشته شد و تا قرن چهارم هجری قمری آثار مکتوب فارسی برجای نماند.

دومین سند درباره پیشینه اتباع در زبان و ادب فارسی، روایت ابن خردادبه در کتاب مسالک و ممالک (تألیف شده در سال ۲۳۲ ه.ق) است. به گفته ابن خردادبه، ابوالبنی شاعر ایرانی عربی سراسر در دربار عباسیان، در افسوس خرابی سمرقند چنین سرود: «سمرقند کند مند بزینت کی افکند/ از تاج ته بهی همیشه ته خهی» (ابن خردادبه،

۱۳۷۱: ۲۸). طبق این روایت، استفاده از ترکیب‌های اتباعی در زبان فارسی به قرن دوم هجری می‌رسد.

«با آغاز قرن چهارم و تحت تأثیر گرایش‌های شعوبیگری، نویسندگان و شعرای ایرانی به نوشتن و سرودن به زبان فارسی روی آوردند و آثار ماندگاری برجای گذاشتند.

نخستین متن فارسی دری برجای مانده از قرن چهارم هجری قمری، مقدمه شاهنامه ابومنصوریه به قلم ابومنصور العمری نوشته شده به سال ۳۴۶ هجری قمری است. در این مقدمه کوتاه واژگان مترادفی چون «پاداش و بادافراه، دلیری و شوخی، داد و بیداد، پند و اندرز» به کار رفته است» (کشاوری، ۱۳۷۱: ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۶) که شاید بتوان از آن میان، واژه «داد و بیداد» را نوعی ترکیب اتباعی به شمار آورد.

از جمله متون فارسی قرن پنجم هجری قمری زین‌الخبار نوشته گردیزی است. در این کتاب، واژگان مترادف و ترکیب‌های عطفی فارسی و عربی به کار رفته اما تعداد مترادف‌ها بسیار کم است؛ برای مثال: «فسق و فجور، پارسا و خوبستن‌دار، تضریب و تحریش، ظفر و فیروزی، مطیع و منقاد، ساو و باژ» (۱۳۶۳: ۳۴، ۲۱۰، ۱۶۳، ۱۸۸، ۳۹۷، ۴۰۱، ۳۹۵، ۵۹۰، ۷۰، ۷۷، ۸۶) از مرکبات اتباعی، ترکیب «تار و مار» در کتاب به کار رفته است (همان: ۳۹۶). تاریخ بیهقی دیگر اثر منثور فارسی از قرن پنجم است. در این کتاب ترکیب‌ها و مترادف‌های فارسی و عربی در کنار واژگان مرکبی چون «دوگان دوگان» و «یکان‌یکان» (همان: ۲۶۰) به کار رفته‌اند اما از مرکب‌های اتباعی در آن استفاده نشده است. لغت فرس نخستین لغت‌نامه فارسی تألیف اسدی طوسی در قرن پنجم است. در این لغت‌نامه بدون اشاره به واژه اتباع و ارائه تعریفی از آن، با استناد به اشعار شعرا، برخی از مرکب‌های اتباعی نام برده و معنی شده است؛ برای مثال: «تف و تاب، شیب و تیب، تیه و تبت، تند و خوند».

در کتاب اسرارالتوحید، از متون فارسی قرن ششم هجری قمری، ترکیب‌هایی به کار رفته است که واژگان مرکب اتباعی را در ذهن تداعی می‌کنند؛ برای مثال، «ماه و

جاه، سر و کار، صافی وافی، های و هوی» (همان: ۲۳، ۲۶، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۵۲، ۱۶۱). همچنین دو واژه «فلان» و «بهمان» که از مرکب‌های اتباعی است، جداگانه در کتاب به کار رفته است (همان: ۲۲۸). در دیگر آثار تاریخی که در قرن ششم به فارسی ترجمه شده‌اند نیز برخی مرکب‌های اتباعی به کار رفته است.

در تاریخ گزیده از آثار منثور قرن هفتم هجری قمری، ترکیب‌های «شور و شور» و «شور و شوق» (مستوفی، ۱۳۶۴: ۱۱۶، ۶۲۲، ۲۴) دیده می‌شود. در نامه‌ها و منشآت جامی، از آثار منثور فارسی قرن نهم هجری، ترکیب‌های عطفی و مترادف‌های فارسی و عربی بسیاری به کار رفته است

در داستان‌های جمال‌زاده که تبلور زبان عامه مردم است، واژگان گفتاری و عامیانه، به ویژه مرکب‌های اتباعی، بسیار دیده می‌شود

اما هیچ یک از آن‌ها مرکب اتباعی نیست. در کتاب مرآت واردات که در قرن یازدهم تألیف شده است، ترکیب‌هایی شبیه مرکب‌های اتباعی «دید و وادید، کار و بار، گل و لای، پس پشت» (شفیع طهرانی، ۱۳۸۳: ۸۳، ۸۸، ۱۳۷، ۹۳، ۱۳۳) به کار رفته است. همچنین در کتاب تاریخ عالم آرای عباسی ترکیب‌های «قلع و قمع، قلاع و بقاع، غزا و جهاد، تأخیر و تعویق، عاری و عاطل، احمال و ائقال، حرب و ضرب، رنود و اوباش» دیده می‌شود (اسکندربیک منشی، ۱۳۷۷: ۱۳۷/۱، ۱۵۸، ۱۹۳، ۱۹۵، ۳۶۶).

در تاریخ عالم آرای نادری از آثار منثور قرن دوازدهم هجری قمری، افزون بر ترکیب «هرج و مرج» (مروی، ۱۳۶۴: ۲/ ۴۸۲) که از اتباع به شمار می‌آید، مترادف‌های عربی

و ترکیبی بسیاری به کار رفته است. برخی از این مترادف‌ها به واژگان اتباعی شباهت دارند: «رتق و فتق، فتور و نفور، دفع و رفع، خار و خسک، وعد و وعید، فراز و نشیب، تاب و تب، جزع و فرع، زیب و زینت، زاغ و زغن، رعایا و مرایا، اقمشه و امتعه» (همان: ۴۸۷/۲، ۵۱۶، ۵۶۸، ۵۷۲، ۵۰۴، ۵۷۹، ۶۶۱، ۷۵۰، ۶۱۷، ۶۷۹، ۵۶۹).

از دوره قاجار انواع متون ادبی، تاریخی به زبان فارسی بر جای مانده است؛ از جمله کتاب تاریخ نو، نوشته شده به سال ۱۲۶۷ هجری قمری. در این کتاب، واژگان مرکب «های و هوی، لغت و لبس» (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۵۳، ۶۵) در کنار

مترادف‌های فارسی، عربی و ترکیبی به کار رفته است. همچنین، در کتاب روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، در روز نگاشت وقایع سال ۱۳۱۳ ق، واژه «پول مول» «چرند پرند» و «بچه‌مچه» (۱۳۷۹: ۱/ ۸۷۷؛ ۱۹۴۱/۳؛ ۳۶۵۷/۵؛ ۴۸۰۲/۶) به کار رفته است. افزون بر آن، ترکیب‌های «شش و بش»، «هرج و مرج»، «آب و تاب»، «رتق و فتق»، «آلاف و الوف»، «هارت و پورت» نیز دیده می‌شود (۱۳۷۹: ۱/ ۸۷۷؛ ۱/ ۸۷۱؛ ۱۸۰۴/۳، ۱۸۰۴/۳، ۱۸۳۴، ۱۸۵۶، ۱۸۵۸؛ ۱۹۴۱؛ ۲۸۵۷/۴). دیگر اثر مهم این دوره، کتاب سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی در ایران است که میرزا حبیب اصفهانی آن را در اواخر قرن ۱۲ یا اوایل ۱۳ هجری قمری به فارسی ترجمه کرده است. مترجم کتاب،

افزون بر واژگان مترادف و تعابیر گفتاری که در سراسر کتاب به کار برده، از مرکب‌های اتباعی بسیاری نیز استفاده کرده است؛ واژگانی چون «شپاشاپ، پی و پاک، قبل و منقل، خرت و پرت، جوی و جر، کج و مج، آل و أشغال (موریه، ۱۳۵۱: ۳۵، ۶۹، ۳۱، ۱۷۱، ۱۸۶ - ۱۷۰).

از دیگر آثار این دوره، سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ نوشته زین‌العابدین مراغهای است. در این کتاب، مرکب‌های اتباعی به ندرت به کار رفته‌اند. این واژگان معمولاً در هنگام نقل سخنان شخصیت‌های کتاب بازگو می‌شوند؛ برای مثال، واژه «پول و مول» از زبان حاجی ملامحمدعلی، یکی از شخصیت‌های

کتاب‌ها، مرکب‌های اتباعی به کار نرفته یا به ندرت به کار رفته‌اند.

دهخدا در مقالاتی با نام چرندوپرند که با امضای دخو، خرمگس و ... در روزنامه صوراسرافیل در فاصله سال‌های ۱۲۷۷ تا ۱۲۷۸ هجری شمسی نوشته، مرکب‌های اتباعی بسیاری به کار برده است؛ از جمله: «شلقو و پلوق، انشر و منشر، شل و پر، له و لورده، ورجه وورجه، دکتر مکتور، هیل‌هپوت، خاک و خل، لات و لوت، چین و چگل، های و هوی، شارت و شورت، پرت و پلا، عقل و مقل (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۰/۱، ۴۳، ۱۱۲، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۷، ۱۴۸).

«در نمایشنامه «جعفرخان از فرنگ آمده»

تعداد این واژگان بیشتر است. تهران مخوف از جمله رمان‌های اجتماعی است که در سال ۱۳۰۳ منتشر شد. با وجود مضمون و لحن جدی داستان، در این کتاب نیز برخی مرکب‌های اتباعی مانند «لات و لوت، شسته و رفته». به کار رفته است. از این مرکب‌ها بیشتر در گفت‌وگوهایی که میان شخصیت‌های داستان رد و بدل شده، استفاده شده است. افزون بر مرکب‌های اتباعی، مترادف‌های فارسی و عربی نیز در کتاب دیده می‌شود (شفیق کاظمی، ۱۳۹۰: ۳۰/۱، ۲۴، ۲۳، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۴، ۳۳، ۳۶، ۳۳).

واژگان مرکب اتباعی در آثار منظوم فارسی

پیشینه واژگان مرکب اتباعی در آثار منظوم به قرن چهارم هجری قمری می‌رسد. این واژگان در اشعار برخی شعرای فارسی سرا به کار رفته است.

نخستین شاعری که واژگان مرکب اتباعی در اشعار وی دیده می‌شود، رودکی (د. ۳۲۹ق) است. در اشعار او ترکیب‌های «لک‌وپک»، «شکست‌مکست» و «شیب و تیب» به کار رفته است. در اشعار فردوسی (د. ۳۹۷ق)، دیگر شاعر قرن چهارم نیز ترکیب‌های «تال و مال»، «تار و تور»، «تک و پوی»، «آشیب و شیب» و «کندمند» دیده می‌شود. در همین قرن، ابوشکور بلخی ترکیب «داس و دلوس» را در شعرش به کار برده است.

مرکب‌های اتباعی در اشعار شعرای قرن پنجم، ششم، هفتم و هشتم هم قابل جست‌وجوست. برای مثال، ترکیب «کندمند» در شعر ناصر خسرو (د.ق) و اسدی طوسی، ترکیب‌های «کژمژ»، «تار و مار» و «ترت و مرت» در اشعار سنایی (د. ۵۴۵ق)، ترکیب‌های «تک و تاز»، «تک و پوی» و «شیب و بالا» در اشعار عطار (د. ۶۲۷ق)، ترکیب «چیز و لیز» در شعر انوری (د. حدود ۵۸۳ق) و ترکیب «نف و تاب» در شعر کسایی به کار رفته است. از شعرای طنزپرداز اواخر دوره قاجار، اشرف‌الدین قزوینی (د. ۱۳۱۲ش) در روزنامه «نسیم شمال» ترکیب‌های «آخ و

اثر حسن مقدم، که در اواخر قرن ۱۳ هجری شمسی نوشته و در سال ۱۳۰۱ شمسی اجرا شده است، علاوه بر واژگان خارجی و تعابیر عامیانه و گفتاری، از مرکب اتباعی «متود پتود» استفاده شده است. نویسنده از واژه‌های انگلیسی، ترکیب اتباعی ساخته است (مقدم، ۱۳۷۳: ۱۸۹).

در داستان‌های جمال‌زاده که تبلور زبان عامه مردم است، واژگان گفتاری و عامیانه، به ویژه مرکب‌های اتباعی، بسیار دیده می‌شود. تعداد مرکب‌های اتباعی، بسته به حجم و محتوای داستان، کم یا زیاد می‌شود. در داستان‌هایی که در آن‌ها از زبان مردم عامه سخنانی بازگو می‌شود،

داستان، نقل می‌شود (مراغهای: ۴۷). در انقلاب مشروطه علاوه بر نظام سیاسی کشور، ادب فارسی نیز دگرگون شد. یکی از جلوه‌های این تحول، تغییر سبک نوشتاری نویسندگان فارسی زبان است. در این دوران به دلیل افزایش روزنامه‌ها، ساده‌نویسی، فارسی‌نویسی و پرهیز از کاربرد بی‌حد واژگان عربی به‌خصوص در میان روزنامه‌نویسان رواج یافت. بیان مشکلات کشور در قالب طنز موجب عامیانه و گفتاری‌نویسی برخی از نویسندگان شد و بسیاری از تعابیر و واژگان گفتاری به زبان نوشتاری وارد شدند. در کتاب‌های تاریخی این دوره، مترادف‌نویسی متداول است اما به علت جدی بودن مضمون



پارسی‌شناسی

۱۶. سالور، مسعود، ایرج افشار. (۱۳۷۹). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه* (قهرمان میرزا سالور) تهران: اساطیر.

۱۷. سیوطی، عبدالرحمن جلال‌الدین. (۱۳۶۲). *المنهر فی علوم اللغة و انواعها، شرحه و ضبطه و صحح و عنوان موضوعات محمد احمد جادالمولی، علی محمد البجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: داراحیاء الکتب العربیه، ۱۸. شریف کاشانی، محمد مهدی، (۱۳۶۲). واقعات اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.*

۱۹. شفیع طهرانی، محمد. (۱۳۸۲). *مرآت واردات* (تاریخ سقوط صفویان، پیامدهای آن و فرمانروایی ملک محمود سیستانی)، تهران: میراث مکتوب.

۲۰. مشفق کاظمی، مرتضی. (۱۳۹۰). *تهران مخوف*، تهران: امید فردا.

۲۱. طالبیوف، عبدالرحیم نجار تبریزی. (۱۳۴۷). *مسالك المحسنین*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

۲۲. کشاورز، کریم. (۱۳۴۵). *هزار سال نثر پارسی*، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

۲۳. گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن‌ضحاک. (۱۳۸۴). *زین اخبار، به اهتمام رحیم رضازاده ملک*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۲۴. گیلانی، سید اشرف‌الدین. (۱۳۷۱). *کلیات جاودانه نسیم شمال*، به کوشش حسین نمینی، تهران: اساطیر.

۲۵. نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر. (۱۳۶۳). *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، تحقیق محمد تقی مدرس رضوی، تهران: توس.

۲۶. ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۸۴). *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه* (از محرم تا شعبان ۱۳۰۶ هجری قمری ۱۸۸۸ میلادی). تصحیح، توضیحات، ویرایش و مقدمه: عبدالحسین نوایی و الهام ملک‌زاده، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

۲۷. — (۱۳۸۵). *حکایت پیر و جوان*، به کوشش کوروش منصوری، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.

۲۸. ناظم‌الاسلام کرمانی، محمدبن علی. (۱۳۹۰). *تاریخ بیابری/یرزبان*، تهران: کوشش.

۲۹. محمدبن منصور، ابی‌سعید مینهنی. (۱۳۷۶). *اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید*، با مقدمه علی اصغر حلبی، تهران: صفی عیشاه.

۳۰. مجهول المؤلف. (۱۳۶۶). *تاریخ سیستان*، تحقیق: ملک‌الشعرا بهار، تهران: کلاله خاور.

۳۱. مجهول المؤلف. (۱۳۹۱). *اخبارالدوله العباسیه و فیہ اخبار العباس و ولده*، تحقیق: عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلبی، بیروت: دارالطبعه.

۳۲. مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر بن احمد. (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*، تحقیق: عبدالحسین نوایی، تهران: میرکبیر.

۳۳. مراغه‌ای، زین‌العابدین. (۱۳۸۲). *سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک*، به کوشش م. ع. سیابلو تهران: آگه.

۳۴. مروی، محمد کاظم. (۱۳۶۴). *عالم آرای نادری*، تصحیح و مقدمه و حواشی محمدامین ریاحی، با مقدمه میکلو خو ماکالی به ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: زوار.

۳۵. منهای سراج. (۱۳۶۳). *طبقات ناصری تاریخ ایران و اسلام*، تحقیق: عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.

۳۶. الميدانی، ابی‌الفضل احمد بن محمد. (۱۳۷۹ق). *مجمع‌الامثال*، تحقیق: محمد محیی‌الدین عبدالحمید، مصر: مطبعه سعاده.

۳۷. میرزاده عشقی، محمدرضا. (۱۳۵۷). *کلیات مصور میرزاده عشقی*، تألیف و نگارش: علی‌اکبر مشیر سلیمی، تهران: امیرکبیر.

۳۸. موریه، جیمز. (۱۳۵۱). *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی در ایران*، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی (دستان)، به کوشش یوسف رحیم‌لو، آذربایجان شرقی: حقیقت.

منابع

۱. ابن‌اعثم کوفی. (۱۳۷۲). *الفنوج*، مترجم محمد بن احمد مستوفی هروی (ق ۶)، تحقیق غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

۲. ابن‌خردادبه. (۱۳۷۱). *المسالك و الممالک*، ترجمه سعید خاکرند، با مقدمه آندره میکل، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل/ مؤسسه فرهنگی حنفا.

۳. اسدی طوسی. (۱۳۳۶). *لغت فرس*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابفروشی طهوری.

۴. اسکندر بیگ‌منشی. (۱۳۷۷). *تاریخ عالم آرای عباسی* به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

۵. انجوی شیرازی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). *قصه‌های ایرانی*، تهران: امیرکبیر.

۶. بلعمی، ابوعلی محمدبن محمد. (۱۳۷۹). *تاریخ بلعمی* (تکمله و ترجمه تاریخ طبری)، به تصحیح محمدتقی بهار، تهران: زوار.

۷. بهیقی، ابوالفضل محمد بن حسین. (۱۳۸۳). *تاریخ بهیقی*، تصحیح علی‌اکبر فیاض به اهتمام محمد جعفر یاحقی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

۸. جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد. (۱۳۷۸). *نامه‌ها و منشآت جامی*، با مقدمه و تصحیح عصام الدین اورون بایف و اسرار رحمانوف، زیر نظر مرکز نشر میراث مکتوب، تهران: میراث مکتوب.

۹. جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن زفر. (۱۳۷۴). *ترجمه تاریخ یمینی*، تحقیق جعفر شعار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۰. جهانگیر میرزا. (۱۳۸۴). *تاریخ نسو* (حوادث دوره قاجاریه از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ هجری قمری)، به اهتمام عباس اقبال، تهران: علم.

۱۱. حکمت، علی‌اصغر. (۱۳۳۰). *پارسی نثر* (ویژه انجمن ایرانی سازمان فرهنگی یونسکو) تهران.

۱۲. دهباشی، علی. (۱۳۷۸). *برگزیده آثار سید محمدعلی جمال‌زاده*، تهران: سخن شهاب ناشر.

۱۳. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۲). *مقالات دهخدا*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: اخوان خراسانی.

۱۴. ذاکری، مصطفی. (۱۳۸۱). *انواع و مهملات در زبان فارسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۵. رامپوری، نجم‌الغنی خان. (۱۳۹۶). *نهج‌لادب*، تحقیق و تصحیح: زهره مشاور، تهران: سخن.

واخ، لات و لوت، مست و ملنگ، کتکات و کتکوت، شنگول و منگول، دری‌وری، لهو و لعب، شیک و قشنگ، داد و بیداد» (قزوینی، ۱۳۸۵: ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۸۵، ۲۸۹، ۲۲۲، ۵۸۴، ۲۲۴) و میرزاده عشقی (د. ۱۳۰۳ ش) ترکیب‌های «شندر پندر»، «جیر و ویر» و «دری‌وری» را به کار برده است.

نتیجه

بررسی انجام شده نشان داد که کاربرد ترکیب‌های اتباعی در زبان فارسی دری به قرن اول هجری قمری می‌رسد. در انواع متون تاریخی و ادبی فارسی قرون چهارم تا سیزدهم هجری نیز این ترکیب‌ها به کار رفته است. در قرون سیزدهم و چهارم هجری ترکیب‌های عاطفی بیشتر در اشعار و متون داستانی با مایه‌های هجو و هزل دیده می‌شود. مقایسه اجمالی مرکب‌های اتباعی قرون اول تا چهارم هجری نشان می‌دهد که بین ترکیب‌های پیش از قرن سیزدهم با ترکیب‌هایی که بعد از قرن سیزدهم وارد متون فارسی شده است، تفاوت ساختاری معنی‌داری وجود دارد. همچنین، تعداد و تنوع ترکیب‌های اتباعی در قرن سیزدهم هجری قمری بسیار بیشتر از متون قرون پیشین است. بررسی تفاوت ساختاری این ترکیب‌ها و علت‌یابی این تنوع و فراوانی مجالی دیگر می‌طلبند.